

سناریوهای محتمل درباره جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

Possible scenarios about the war between Russia and Ukraine and its consequences for the Islamic Republic of Iran

Abstract

The war between Russia and Ukraine (since 2022), in addition to the extensive consequences for both countries, has not spared other governments at the regional and international level from its economic, political, geopolitical and geostrategic consequences. For the Islamic Republic of Iran, which is considered an influential actor in the region, the occurrence of the aforementioned war has created opportunities and challenges that can continue and enter in new stages if the existing scenarios about the future of this war are realized. The main question that this article tries to answer is, what consequences will these scenarios have for the Islamic Republic of Iran? According to the hypothesis of the research, considering the close relations between Iran and Russia on the one hand, and the dark relations between Iran and the West, as well as Iran's positions in the Ukraine war, on the other hand, the realization of any of the possible scenarios can affect Iran's politics, economy and position in the international system. The purpose of this article is to explain the effects of some possible scenarios about the Ukrainian war on Iran in the form of scenario writing and through the descriptive-analytical method. Based on the findings of the research, Iran's previous positions in the Russia-Ukraine war and its entry into the new phase of cooperation with Russia will affect the intensity and weakness of the realization of the mentioned scenarios.

Keywords: Russia and Ukraine war, Islamic Republic of Iran, scenario writing, futurology

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین، علاوه بر تبعات گسترده برای هر دو کشور، سایر دولت‌ها را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از پیامدهای اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود مصون نداشته است. برای جمهوری اسلامی ایران نیز که یک بازیگر بانفوذ منطقه‌ای محسوب می‌شود، وقوع جنگ نامبرده فرصت‌ها و چالش‌هایی را به وجود آورده که در صورت تحقق سناریوهای موجود درباره‌ی آینده‌ی این جنگ، می‌توانند تداوم پیدا کنند و وارد مراحل جدیدی شوند. سؤال اصلی که مقاله‌ی حاضر سعی می‌کند برای آن پاسخی بدهد این است که این سناریوها چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران خواهند داشت؟ بر طبق فرضیه‌ی پژوهش، با توجه به روابط نزدیک ایران و روسیه از یک سو و تیره بودن مناسبات ایران با غرب و نیز مواضع ایران در جنگ اوکراین از سوی دیگر، تحقق هر کدام از سناریوهای قابل طرح می‌تواند بر سیاست، اقتصاد و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل، تاثیراتی داشته باشد. هدف مقاله‌ی حاضر این است که در قالب سناریونویسی و از طریق روش توصیفی - تحلیلی، تاثیرات ناشی از بعضی سناریوهای محتمل درباره‌ی جنگ اوکراین بر ایران را تبیین نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق، مواضع قبلی ایران در جنگ روسیه و اوکراین و ورود این کشور به فاز جدید همکاری با روسیه، بر شدت و ضعف تحقق سناریوهای نامبرده تاثیر خواهد گذاشت.

واژگان کلیدی: جنگ روسیه و اوکراین، جمهوری اسلامی ایران، سناریونویسی، آینده‌پژوهی

حمله‌ی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، یکی از مهم‌ترین اتفاقات در صحنه‌ی بین‌المللی در طول چند دهه‌ی اخیر است. این حمله در سطح نزاع بین دو کشور محدود نمانده و پیامدهای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن نظام بین‌الملل را متاثر ساخته‌اند. روسیه می‌خواهد که اوکراین نباید به ناتو بپیوندد و مواضع ملی این کشور نیز نباید بر اساس این خواست شکل بگیرند. این امر از اینجا ناشی می‌شود که به اعتقاد روسیه، ایالات متحده و متحدانش از اوکراین برای راه‌اندازی پایگاه‌های نظامی برای حملات احتمالی به روسیه، استفاده خواهند کرد. در نتیجه، روسیه مطمئن است که اوکراین نباید اجازه‌ی پیوستن به ناتو را داشته باشد؛ زیرا این اتفاق به معنای به خطر افتادن حاکمیت، صلح و استقلال روسیه است. از سوی دیگر، ایالات متحده و غرب و همچنین ناتو می‌گویند که چون اوکراین کشوری مستقل است، باید به آن اجازه داده شود تا خودش درباره‌ی پیوستن به ناتو تصمیم بگیرد و این، عاقلانه‌ترین اقدام است (Oualaalou, 2022).

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به موقعیت مهم خود به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و نیز با توجه به چالش‌های متعددی که در طی چند دهه با غرب داشته و در نتیجه در بسیاری از موارد با فدراسیون روسیه به همسویی رسیده است، از پیامدها و تبعات جنگ روسیه و اوکراین مصون نیست. در واقع از همان شروع جنگ، سه گزینه برای ایران مطرح بوده است: انتخاب سیاست بی‌طرفی یا بی‌طرفی فعال، همراهی با غرب و محکومیت حمله‌ی روسیه به اوکراین، حمایت آشکار یا تلویحی از روسیه (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۱۵۸-۱۶۵). این در حالی است که ایران، ضمن انتقاد به جنگ و عواقب غیر انسانی آن و اعلام مواضع رسمی خود مبنی بر بی‌طرفی و حتی تمایل به میانجی‌گری بین روسیه و اوکراین، در عمل فروش پهپاد به روسیه را انکار نکرد (تابناک، ۱۴ آبان ۱۴۰۲) و از طرف دیگر، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت ایران، در طی سخنرانی خود در دوما‌ی روسیه در ژانویه ۲۰۲۲، سلطه‌گری آمریکا را محکوم کرد و نفوذ ناتو را نیز مورد انتقاد قرار داد و علاوه بر این، بر افزایش همکاری‌های همه‌جانبه بین ایران و روسیه تاکید نمود (سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، ۱۴۰۰/۱۰/۳۰). طبیعتاً توسعه‌ی روابط استراتژیک بین ایران و روسیه، تاکید روسیه بر ایران به عنوان یک شریک راهبردی در عرصه‌ی بین‌المللی و متحد خوب برای مقابله نظام بین‌المللی کنونی به رهبری آمریکا، مشکلات هر دو کشور که از تحریم‌های اعمال شده توسط غرب ناشی می‌شود و اهمیت یافتن دکترین «نگاه به شرق» برای رهبران ایران، روابط ایران و روسیه را از زمان جنگ اوکراین تا امروز وارد فاز جدیدی کرده است (Niakooee and Rahdar, 2021).

بالطبع در این بین، تحقق سناریوهای محتمل درباره‌ی جنگ روسیه و اوکراین به ایران نیز ربط پیدا خواهد کرد؛ زیرا ایران از یک طرف یک بازیگر کم‌اهمیت و ثانویه در سطح منطقه‌ای محسوب نمی‌شود؛ بلکه یک بازیگر فعال با پتانسیل بالا بوده و در مناسبات جدید دارای قدرت تاثیرگذاری است و از طرف دیگر، مانند سایر کشورها نمی‌تواند از پیامدهای درگیری‌های پیش آمده مصون بماند. ضمناً مواضع ایران باعث نزدیکی بیشتر این کشور به روسیه، تیره شدن روابطش با اوکراین و ایجاد چالش‌های جدید با غرب شده است که این مسائل نیز در صورت تحقق سناریوهای اصلی

جنگ اوکراین، ایران را از خود متاثر خواهند نمود. پژوهش حاضر، با علم به اهمیت موضوعات نامبرده، سعی می‌کند تا با مطرح کردن سناریوهای اصلی درباره‌ی جنگ روسیه و اوکراین، فرصت‌ها و خطرات موجود بر سر راه ایران را در قالب دستاوردها و پیامدها ارائه کند.

۱. ادبیات تحقیق

سمیعی اصفهانی و فرهمند (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ روسیه - اوکراین و آینده‌ی نظم بین‌المللی»، به این مسئله پرداخته‌اند که تحت شرایط ناشی از این جنگ، نگرش و عملکرد بازیگران درگیر می‌تواند پیامدهای مهمی برای سیاست جهانی داشته باشد. مولفان، سناریوهای زیر را مطرح کرده‌اند: ۱) سناریوی مطلوب از نظر روسیه: ائتلاف روسیه - چین، مهار آمریکا و ناتو؛ ۲) سناریوی محتمل: الف. توافق صلح با بازیگری چین، ترکیه، اسرائیل و فرانسه و تغییر نظم ساختار بین‌المللی؛ ب. تداوم جنگ و تشدید نزاع بین‌المللی؛ ۳) سناریوی ممکن: وقوع جنگ هسته‌ای. به اعتقاد مولفان، جنگ اوکراین نقطه عطفی در نظم بین‌المللی بوده و پس از جنگ اوکراین، نظام بین‌الملل وارد عصر جدیدی می‌شود.

در پژوهشی با عنوان «فرصت‌ها و تهدیدهای بحران اوکراین برای اقتصاد ایران» که در اسفند ۱۴۰۰ توسط مرکز پژوهش‌های اتاق ایران چاپ شده است، بر این موضوع تاکید شده است که ایران با توجه به روابط سیاسی نزدیک با روسیه، همزمانی این جنگ با مذاکرات برجام، موقعیت خاص جغرافیایی و البته تاثیرپذیری از بازارهای جهانی کالاهای اساسی، هم در معرض پیامدهای منفی این جنگ قرار دارد و هم از این شانس برخوردار است تا فرصت‌های به وجود آمده را در راستای توسعه‌ی صادرات خود مورد استفاده قرار دهد.

نیاکویی و رهدار^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه و ایران در سیاست خارجی روسیه بعد از جنگ اوکراین»^۲ اشاره دارند که جنگ در اوکراین و چشم‌انداز ادامه و حتی تشدید تنش در روابط روسیه با غرب به شدت بر اولویت‌های سیاست خارجی روسیه تأثیر گذاشته است. استراتژی «نگاه به شرق» که ریشه تاریخی در سیاست خارجی روسیه دارد و از نیمه دوم دهه‌ی ۱۹۹۰ با جدیت بیشتری دنبال شده است، به خصوص در دهه اخیر رویکرد غالب در سیاست خارجی مسکو محسوب می‌شود. در واقع، پس از جنگ اوکراین، روسیه چاره‌ای جز رفتن به طرف شرق، خاورمیانه و ایران ندارد. به نظر مولفان، به موازات غلبه‌ی رویکرد «نگاه به شرق» در سیاست خارجی روسیه، خاورمیانه نیز موقعیت استراتژیک‌تری برای این کشور خواهد یافت و به یکی از اولویت‌ها در سیاست خارجی آن بعد از جنگ تبدیل خواهد شد.

تامپوبولون^۳ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «اشغال اوکراین توسط روسیه و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک جهانی»^۴ این موضوع را مطرح می‌کند که حتی اگر تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه برای آسیب رساندن به این کشور طراحی شده باشد، اما همه‌ی آنها ناخواسته عواقب زیادی بر نظام اقتصادی جهان دارند و این امر اساساً ناشی از اختلالات جهانی در

1. Niakooee and Rahdar

2. The Middle Est and Iran in Russia's Foreign Policy after the Ukraine War

3. Tampubolon

4. Russia's invasion of Ukraine and its impact on global geopolitics

زنجیره‌ی تامین قدرت، کالاها و همچنین جریان تجارت است که به علت حملات نظامی، دچار مشکل شده است. به عبارت دیگر، جنگ روسیه و اوکراین باعث افزایش هزینه‌ها در حوزه‌ی انرژی، افزایش قیمت کالاها و همچنین افزایش قیمت مواد غذایی خواهد شد که همه‌ی اینها به تورم بیشتر در مقیاس جهانی در چندین کشور منجر شده‌اند و این روند ممکن است ادامه پیدا کند.

برونک و حکیمی^۵ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «روسیه، اوکراین و آینده‌ی نظم جهانی»^۶، تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ را یکی از مهم‌ترین شوک‌ها به نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم محسوب کرده‌اند و به ارزیابی مخاطرات ناشی از تهاجم مزبور برای اصول کلی حقوق بین‌الملل معاصر و نظم جهانی که ایجاد شده است، پرداخته‌اند. مطابق با استدلال مولفان، حتی با پایان یافتن جنگ روسیه و اوکراین، باز هم جهان از تغییرات ناشی از آن در امان نخواهند ماند و این امر می‌تواند به تغییر نظم جهانی منجر شود.

نوآوری مقاله‌ی حاضر را می‌توان در تمرکز آن بر تاثیرات مثبت و منفی ناشی از جنگ روسیه و اوکراین - در قالب سناریوهای اصلی (پایان یافتن جنگ، فرسایشی شدن جنگ و تشدید جنگ) - برای جمهوری اسلامی ایران که از زوایای مختلف و از جمله روابط ایران با روسیه از یک طرف و روابط با غرب و نظام بین‌الملل از طرف دیگر قابل بررسی است، جست و جو نمود.

۲. روش تحقیق

در این مقاله از روش سناریونویسی در چارچوب آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. به همین منظور، ما در ابتدا از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌کنیم؛ یعنی داده‌های مورد نیاز را از منابع اولیه مستخرج کرده و در مرحله‌ی بعد آنها را مورد توصیف و تحلیل قرار خواهیم داد تا بدین وسیله امکان ارائه سناریونویسی آینده (های) ممکن و تاثیرات آنها بر جمهوری اسلامی ایران، وجود داشته باشد. آینده‌پژوهی، دانشی بینارشته‌ای است که داده‌های طبقه‌بندی شده را با دو روش تجربی و منطقی با هدف تحلیل روندها و ترسیم سناریوهای محتمل آینده، جمع‌آوری می‌کند. رویکرد عمده در آینده‌پژوهی، رویکرد شش‌رکنی^۷ است که یک فرآیند پرسشگرانه می‌باشد (Inayatullah, 2013: 61) و بر ضرورت وجود یک چارچوب مفهومی برای درک آینده تاکید دارد. سناریونویسی یکی از مهمترین ارکان این روش محسوب می‌شود. «سناریوها ابزار برتر آینده‌پژوهی هستند. آنها زمان حال را می‌گشایند، دامنه‌ی عدم قطعیت را دور می‌زنند، ریسک را کاهش می‌دهند، جایگزین‌ها را پیشنهاد می‌دهند، ذهنیت‌های سازمانی انعطاف‌پذیرتر ایجاد می‌کنند و حتی بهتر از این موارد، به پیش‌بینی مبادرت می‌ورزند» (Inayatullah, 2013: 54).

روش‌های سناریونویسی زیادی وجود دارد که بعضی از مهم‌ترین آنها به قرار زیرند:

⁵ Brunck and Hakimi

⁶ Russia, Ukraine and the future world order

⁷ Six pillars approach

۱) روش چندمتغیر^۸ که از مثلث آینده و تحلیل مسائل نوظهور بر اساس تصاویر یا هدایت‌گرها گرفته شده است.

۲) روش متغیر دوگانه^۹ که دو اصل عدم قطعیت و توسعه‌ی مدل‌های جایگزین را مشخص می‌کند.

۳) روش سناریونویسی ابداعی توسط جیمز دیتور^{۱۰} که کهن‌الگوهای^{۱۱} سناریو را بیان می‌کند (Dator, 1979)، یعنی رشد مداوم، فروپاشی، حالت پایدار و دگرگونی.

۴) روش سناریونویسی سازمانی که توسط پیتر شوارتز^{۱۲} (Schwartz, 1995) توسعه یافته است. ساختار این روش از سناریونویسی از چهار متغیر تشکیل شده است: بهترین حالت (آنچه سازمان در آرزوی آن است)، بدترین حالت (که در آن همه چیز بد تعبیر می‌شود)، آینده‌ی غافلگیرکننده بر اساس یک مسئله‌ی نوظهور مخرب، حالت معمولی (بدون تغییر).

۵) تکنیک سناریونویسی چهاربُعدی. ابعاد این تکنیک عبارتند از: الف) بُعد ترجیحی (دنیایی که ما آن را می‌خواهیم)؛ ب) بُعد مرتبط با عدم تعلق (جهانی که ما آن را رد می‌کنیم یا قادر به برقراری ارتباط با آن نیستیم)؛ ج) بُعد یکپارچه که در آن امور متعلق و رد شده به شکلی پیچیده با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند؛ د) بُعد دورتر یا آینده‌ای خارج از تقسیمات مطرح شده (Inayatullah, 2013: 57).

در این مقاله تلاش می‌شود تا با توجه به تغییر در روندها و پیشران‌ها، سناریوهای عمده در رابطه با آینده‌ی جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای ایران در حوزه‌های مختلف بررسی شود.

۳. چارچوب نظری تحقیق: واقع‌گرایی تهاجمی

واقع‌گرایی تهاجمی نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که از واقع‌گرایی کلاسیک مأخوذ می‌باشد. این نظریه، دولت‌ها را به عنوان بازیگران منطقی و قهرمانان اصلی در امور جهانی در نظر می‌گیرد. بر اساس این مکتب، شرایط هرج و مرج بین‌المللی در صحنه جهانی همواره دولت‌ها را تشویق به گسترش و توسعه‌طلبی می‌کند. این امر بدان معناست که تاکید بر پتانسیل درگیری و نزاع در نظام بین‌الملل است. سیاست توسعه‌طلبانه در صورتی دنبال می‌شود که سود آن از هزینه‌هایش بیشتر باشد. همه‌ی دولت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن قدرت نسبی خود هستند، زیرا تنها بقای قوی‌ترین‌ها قابل تضمین است.

جان مرشایمر^{۱۳} را می‌توان نظریه‌پرداز اصلی واقع‌گرایی تهاجمی دانست. وی برای نظریه‌ی مزبور پنج اصل قائل

است:

۱) نظام بین‌الملل آنارشیک است، زیرا هیچ مرجع مرکزی بالاتر از دولت‌ها وجود ندارد.

8. Multi-variable

9. Double variable method

10. James Dator

11. Archetype

12. Peter Schwartz

13. John Mearsheimer

۲) دولت‌ها دارای قابلیت‌های تهاجمی هستند و همگی می‌توانند از خشونت و آسیب رساندن یا حتی نابودسازی یک دولت دیگر، استفاده نمایند.

۳) دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیات سایر کشورها مطمئن باشند.

۴) انگیزه‌ی اصلی دولت‌ها، بقا است.

۵) دولت‌ها بازیگران منطقی هستند. آنها توانایی‌ها و استراتژی‌های دیگر دولت‌ها را در نظر می‌گیرند و برای بقا، با استراتژی‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند (Mearsheimer, 2009: 241-256).

مرشایمر توضیح می‌دهد که به دلیل هرج و مرج نظام بین‌الملل و در نتیجه فقدان اقتدار مرکزی بر روی دولت‌ها، آنها به دنبال حفظ تمامیت ارضی و نظم سیاسی داخلی خود هستند؛ در حالی که با سایر کشورهایی که توانایی‌های نظامی تهاجمی دارند و نمی‌توانند از مقاصد آنها مطلع شوند، مقابله می‌کنند. بنابراین وی این ایده را استنباط می‌کند که دولت‌ها با میل به دست آوردن قدرت هدایت می‌شوند و به امید تسلط بر دیگران به حداکثر رساندن توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود می‌پردازند، زیرا این راه بهینه برای به حداکثر رساندن امنیت آنهاست. این امر شامل تجهیز نیروهای مسلح و اهمیت امور نظامی است. هرچه نیروهای مسلح یک دولت قدرتمندتر باشند، آن دولت توانایی بیشتری در بازدارندگی یک متجاوز احتمالی خواهد داشت و در صورت شکست بازدارندگی، آن دولت قادر به پیروزی در جنگ خواهد بود. اگر دولتی نتواند ارتشی به اندازه کافی قدرتمند بسازد، برای جبران ضعفش به دنبال متحدان می‌رود. این پدیده «توازن قدرت»^{۱۴} نامیده می‌شود. در این مورد باید به والتز^{۱۵} اشاره کرد که می‌نویسد باید بین توازن خارجی^{۱۶} که از خلال پیدا نمودن متحدان انجام می‌شود و توازن داخلی^{۱۷} که توسط دولت‌ها و به ویژه نیروهای نظامی آنها محقق می‌گردد، تمایز قائل شد (Waltz, 1979: 118).

اگر وقتی توازن قوا وجود داشته باشد، وضعیت نسبتاً پایدار است. با این حال، زمانی که یک قدرت بزرگ برتری قابل توجهی نسبت به دیگران به دست آورد، عدم تعادل به نفع هژمون بالقوه ایجاد می‌شود و سطح عمومی بی‌اعتمادی، نگرانی و در نتیجه رقابت را افزایش می‌دهد. در پاسخ، سایر دولت‌ها می‌توانند توانایی‌های نظامی خود را افزایش دهند یا با قدرت‌های دیگر برای مقابله با این هژمون بالقوه متحد شوند. یک قدرت به دنبال هژمونی است، زیرا این موقعیت امن‌ترین محسوب می‌شود. دولت هژمونیک برتر از دیگران بوده و برای بقا مساعدتر است (Mearsheimer 2014: Chapter 2).

رنالیسم تهاجمی مرشایمر به عنوان چارچوب نظری این تحقیق انتخاب شده است، زیرا می‌تواند با تحلیل رفتار عقلانی قدرت‌های بزرگ در دنیای آنارشیک و انگیزه‌ی اصلی آنها (که همان بقاست)، یک شبکه‌ی تحلیلی جالب در مورد بازی قدرت روسیه - اوکراین ارائه می‌دهد. سیاست خارجی روسیه نسبت به اوکراین، به عنوان تلاشی از سوی مسکو

¹⁴. Balance of power

¹⁵. Waltz

¹⁶. External balancing

¹⁷. Internal balancing

برای تامین امنیت فضای منطقه‌ای با تحمیل خود به عنوان یک قدرت هژمونیک است و این کشور از این طریق بقای خود را در برابر تهدید قدرت‌های غربی و ناتو تضمین می‌کند. بنابراین روسیه سعی می‌کند تا با استفاده از قدرت نظامی و اشغال اوکراین، فضای امنیتی خود را به حداکثر برساند و علاوه بر این، از طریق سیاست خارجی نظامی و تهاجمی، به عبور از سیستم دوقطبی به چندقطبی عکس‌العمل نشان می‌دهد. هر دو مورد، برای شناخت تأثیرات و پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت و بازیگر منطقه‌ای، مهم می‌باشد. علاوه بر این، ایران هم به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، برای جبران روابط مخدوش خود با غرب، به دنبال ائتلاف و گسترش همکاری با ابرقدرت هژمونی مثل روسیه است.

۴. روابط ایران - اوکراین و ایران - روسیه

نمی‌توان هنگام صحبت از سناریوهای محتمل در قبال جنگ روسیه و اوکراین، تأثیرات آنها را بر جمهوری اسلامی ایران که یک قدرت منطقه‌ای و بازیگر تاثیرگذار است نادیده گرفت. نباید فراموش کرد که «ارزش یک سناریو در تحقق کامل آن نیست، بلکه در تأثیری است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های درست امروز داشته باشد» (اسماعیل پور و بافرانی، ۱۴۰۱: ۹۹). همین نکته را نیز می‌توان در مورد تأثیرات سناریوهای محتمل جنگ روسیه و اوکراین بر ایران، صادق دانست.

در ابتدا باید به این موضوع اشاره نمود که روابط ایران با دو کشور روسیه و اوکراین دارای تفاوت‌های زیادی است. روابط ایران با اوکراین از سال ۱۹۹۱ که استقلال اوکراین را به رسمیت شناخت تا سال ۲۰۲۲ و آغاز حمله روسیه به این کشور، تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است که می‌توان آن را بیشتر معطوف به همکاری‌های اقتصادی، تجاری و روابط دیپلماتیک دانست (حلالخور و سعیدی راد، ۱۴۰۰: ۸۳). همکاری‌های دوجانبه‌ی مزبور اوکراین تا زمان دولت سیزدهم وجود داشت و شاید به جز تیره شدن نسبی روابط با اوکراین در جریان پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین در ژانویه ۲۰۲۰، ایران هیچ چالش جدی با این کشور نداشته است. اما بعد از حمله‌ی روسیه به اوکراین و با شکل‌گیری مناسبات جدید و نزدیک بین تهران و مسکو، روابط جمهوری اسلامی ایران با اوکراین به شدت دچار واگرایی شد. در واقع، با ورود همکاری‌های استراتژیک ایران و روسیه با فاز جدید، این اعتقاد در بین بخشی از نخبگان و سیاستمداران حاکم شکل گرفت که حمله‌ی روسیه به اوکراین به معنی تجاوز به تمامیت ارضی یک کشور و نقض حقوق بین‌الملل نیست؛ بلکه روسیه برای حفظ منافع ملی و برقراری امنیت در مرزهای غربی خود و نیز برای مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا و ناتو مبادرت به این کار کرده است و ایران با این کشور در به چالش کشیدن نظام یکجانبه‌ی غربی همراه می‌باشد (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۸).

با این وجود، باید اذعان کرد که علی‌رغم ظرفیت‌های زیاد همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، مانع بزرگ را باید تفاوت در استراتژی‌های سیاست خارجی این دو کشور دانست؛ زیرا «روسیه همواره تلاش دارد بازی با حاصل جمع غیر صفر تعریف کند؛ در دوقطبی قرار نگیرد و با تعریف یک بازی برد - برد بیشترین منافع را دنبال

کند و استراتژی دیپلماسی و مذاکره را با همه طرفین باز نگه دارد؛ اما در مقابل جمهوری اسلامی در بسیاری از چالش‌ها رویکردی مطابق با حاصل جمع صفر دارد؛ موضوعات را در یک دوقطبی، دشمنی با آمریکا و اسرائیل، پیش می‌برد که قدرت مانور همکاری‌ها را بین دو کشور کاهش می‌دهد» (یزدی یحیی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۸۵۴). به عبارت دیگر، واقع‌گرایی تهاجمی روسیه به عنوان یک دولت هژمون که به دنبال حداکثرسازی توان خود در نظام آنارشیک بین‌الملل است، از دوقطبی‌سازی که می‌تواند برای منافع ملی وی خطرناک باشد پرهیز می‌کند؛ اما جمهوری اسلامی با وجود تاکید بر ضرورت جهان چندقطبی، سیاست خارجی خود را در عمل بر مبنای چالش ایدئولوژیک با دوقطبی مزبور قرار داده است. همین تفاوت باعث می‌شود که روابط ایران و روسیه، علاوه بر اشتراکات، افتراقات اساسی نیز داشته باشد.

گفتیم که از آغاز جنگ روسیه و اوکراین تا امروز، ایران از یک طرف روابط خود را با روسیه مستحکم‌تر و نزدیک‌تر کرده و از طرف دیگر، روابط این کشور با اوکراین تیره شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، ادعای فروش تسلیحات و به ویژه پهباد و موشک توسط ایران به روسیه است. این که ایران همیشه از کمک نظامی روسیه برخوردار بوده است، اینجا مسئله نیست؛ زیرا طبیعتاً ایران در راستای رقابت استراتژیک با کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس که متکی به واردات نظامی از غرب هستند، چاره‌ای جز روسیه نداشته است (جباری، ۱۴۰۱: ۹۸). مسئله، کمک نظامی ایران به روسیه است. موضع دولت ابراهیم رئیسی در این مورد ابتدا شفاف نبود، اما امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه‌ی ایران، ضمن رد تحویل موشک به روسیه اذعان داشت که «ما مقدار محدودی پهباد ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین در اختیار روسیه گذاشتیم. اگر برای ما ثابت شود روسیه از پهباد ایرانی در جنگ علیه اوکراین استفاده کرده، ما نسبت به این مسئله بی‌تفاوت نخواهیم بود. موضع ما در خصوص جنگ اوکراین توقف جنگ، بازگشت طرفین به مذاکره و بازگشت آوارگان به منازلشان است» (انصاف‌نیوز، ۱۴ آبان ۱۴۰۱).

۵. سناریوهای محتمل درباره جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. سناریوی نخست: آرام شدن جنگ

این سناریو، آرام شدن درگیری‌ها را در اوکراین تا سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌کند و بر طبق آن، ما شاهد تثبیت مناطق جلویی در مرزهای دونباس و نیز باقی ماندن اودسا در دست اوکراینی‌ها خواهیم بود. با این حال، حتی در صورت به وجود آمدن شرایط مذکور، باز هم سرایت درگیری‌ها به میدان سایبری از طریق حملات مکرر به زیرساخت‌های استراتژیک یا سایت‌های حساس و درج اطلاعات نادرست با هدف بی‌ثبات‌سازی، ادامه خواهد یافت. تحت شرایط ایجاد شده، تعادل نیروها، با وجود عدم تشدید درگیری‌های زمینی، همچنان غیرقابل پیش‌بینی است. از منظر ژئوپلیتیک، اوکراینی‌ها هنوز از حمایت غربی‌ها در این مسیر برخوردارند؛ هر چند این امر برای تغییر موازنه‌ی قدرت در برابر روسیه کافی نیست. پیش‌بینی می‌شود که روسیه بتواند به لطف درآمد تجاری مهم (علی‌رغم وجود تحریم‌ها)، به تلاش خود برای استمرار جنگ ادامه بدهد، حتی اگر از حمایت متحدان قوی خود مانند چین که بی‌طرف مانده است، برخوردار نباشد (Le Bec and Segur, 2023: 25).

با این حال، به علت تلاش هر دو طرف درگیر در تغییر مسیر جنگ به نفع خودشان، از شدت درگیری‌ها کم نشده است. نیروهای اوکراینی به لطف پشتکار، ظرفیت زیادی برای انعطاف‌پذیری از خود نشان داده‌اند که یکی از علل آن، حمایت غرب از آنهاست. در همان حال، روسیه نیز با افزایش بسیج جمعیت خود، در کنترل فشار وارده از جانب ارتش اوکراین موفق عمل کرده است. تا سال ۲۰۲۵ و در مسیر پیش‌بینی شده برای آینده بر طبق سناریوی نخست، روس‌ها می‌توانند در فرسایشی کردن نبرد موفق شوند بدون این که لزوماً فتوحات بیشتری را به دست آورند. با این حال، فرضیه‌ی مزبور بر مشروط به بسیج فزاینده‌ی نیروهای روسی و ورود صنایع به جنگ است؛ یعنی اتفاقی که در پاییز ۲۰۲۲ شاهد آن بودیم. همچنین فرضیه‌ی بی‌تفاوتی و عدم علاقه‌ی افکار عمومی روسیه به تداوم جنگ نیز قابل مشاهده است. دلیل این امر، وخامت احتمالی اقتصاد کشور در سال‌های آینده در ارتباط با کاهش درآمدهای ناشی از صادرات انرژی خود به علت عدم وجود تغییر کامل شریان‌های فروش و صادرات به آسیا تا سال ۲۰۲۵ می‌باشد.

سناریوی نخست در وهله‌ی نخست تاثیر خود را بر مراودات تجاری ایران - روسیه و ایران - اوکراین خواهد گذاشت. نباید فراموش کرد که «اگر چه حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه چشمگیر نیست، ولی در مقایسه با اوکراین از وضعیت بهتری برخوردار است» (حلالخور و سعیدی راد، ۱۴۰۰: ۸۷). با توجه به این که هم ایران و هم روسیه تحت تحریم‌های غرب قرار دارند، همین مسئله باعث همگرایی منافع این دو کشور شده است که نمود آن را در مراودات اقتصادی و نظامی مشاهده می‌کنیم (جباری، ۱۴۰۱: ۹۸). در عین حال، مراودات اقتصادی بین ایران و دو کشور مزبور از زمان وقوع جنگ، تغییر کرده و به شدت تحت تاثیر سیاست خارجی ایران در قبال آنها قرار گرفته است؛ چون همانطور که اشاره شد، ایران از یک سو به روسیه نزدیک‌تر شده است و از سوی دیگر با اوکراین تقریباً قطع رابطه کرده است. آرام شدن جنگ می‌تواند فضای امنیتی حاکم بر روابط اقتصادی و تجاری بین ایران و روسیه را تحت تاثیر قرار دهد؛ به خصوص با توجه به این که خود روسیه از تحریم‌های شدید غرب رنج می‌برد و اوضاع اقتصادی مناسبی ندارد. تاکید ایران بر ارزش غیر دلاری و برقراری مبادلات با روبل روسیه نیز که عملاً مشکل چندانی را رفع نکرده است، پیچیده‌تر خواهد شد؛ مگر آن که بریکس که ایران به عضویت آن درآمده است، اقدام به ایجاد ارزش مشترک نماید (Papa, 2023). البته حتی در این مورد نیز باید برای چین و نه روسیه، نقش محوری قائل شد.

علاوه بر مسئله‌ی امنیت اقتصادی، مسئله‌ی امکان یا عدم امکان ترمیم روابط ایران با اوکراین نیز به قوت خود باقی می‌ماند؛ به ویژه این که اوکراین در جریان مسئله‌ی فروش پهباد، ایران را عملاً یکی از تامین‌کنندگان تسلیحاتی روسیه می‌داند. ضمناً ترمیم روابط با غرب (یعنی حامی اوکراین) نیز دوباره برای ایران که تمام تخم مرغهای خود را در سبد روسیه گذاشته است، مسئله‌ساز خواهد شد، به ویژه با توجه به دشمنی ایران و اسرائیل که در جریان جنگ غزه وارد فاز جدی‌تری شده است و نیز لاینحل ماندن پرونده‌ی هسته‌ای ایران و خطر فعال شدن مکانیسم ماشه.

۲-۵. سناریوی دوم: تشدید جنگ

سناریوی تشدید جنگ به قطبی شدن ژئواستراتژیک درگیری در عرصه‌ی روابط بین‌الملل منجر می‌شود. در حالی که بلوک غرب به حمایت از تلاش‌های جنگی اوکراین ادامه می‌دهد، چین بدون هیچ گونه ابهامی در کنار روسیه ایستاده است. این مخالفت که با افزایش درگیری و تشدید آن مشخص می‌شود همچنان به صورت فیزیکی در اوکراین مهار شده، اما به طور گسترده به حوزه‌ی سایبری سرایت کرده است. در مقیاس جهانی، انسجام بلوک‌ها هنوز تا سال ۲۰۲۵ با نقایصی از جمله عدم تعهد کشورهای مهم مانند هند و ترکیه همراه خواهد بود؛ اما در تغییر جهت‌گیری تدریجی جریان انرژی، مواد خام و کمک‌های بشردوستانه بین کشورهای دوست قابل مشاهده است.

در سطح نظامی، با وجود حملات متعدد به شهرهای غربی اوکراین، این سناریو در مقایسه با سناریوی نخست کمتر با شرایط موجود هماهنگ به نظر می‌رسد. خطر سرریز درگیری همچنان به قوت خود باقی می‌ماند که علت آن تنش‌های ژئوپلیتیکی بین‌المللی است. درگیری‌های متعددی در طول این بازه زمانی مجدداً شکل گرفته‌اند؛ از جمله درگیری بین آذربایجان و ارمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان یا تهاجم ترکیه به شمال سوریه. بعلاوه، در سایر جبهه‌ها نیز با اشکال تهدید مواجه هستیم؛ مانند جنگ غزه، تقابل اسرائیل-ایران، چین-تایوان و کره.

تا سال ۲۰۲۵، اثرات بسیج روسیه هنوز نامشخص است و انکار ناپایداری اهداف جنگ حداکثری هنوز هم بسیار ضعیف است. در واقع اگر روسیه در حفظ یا معکوس کردن موازنه‌ی نیروها به روش متعارف ناتوان نشان بدهد، می‌تواند تشدید حملات را در قالب ترکیبی در نظر بگیرد. این امر، سناریوی کنونی (سناریوی دوم) را به سمت سناریوهای دیگری تغییر می‌دهد. ضمناً بلاروس نیز می‌تواند مستقیماً درگیر جنگ شود. همچنین به نظر می‌رسد که در سطح ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک هم سناریوی دوم با وضعیت فعلی جهان مطابقت دارد.

این سناریو ممکن است در وهله‌ی نخست نقش ایران را در کمک‌رسانی نظامی به روسیه (مسئله‌ی فروش پهباد) تسریع کند که در بلندمدت می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای روابط ایران و غرب داشته باشد که حوزه‌ی انرژی، از جمله‌ی مهم‌ترین بخش‌هاست. از سوی دیگر، احتمال پیوستن ایران به سایر جبهه‌ها و بلوک‌های جدید غیر غربی (شرق‌محورو غیره) وجود دارد. البته باز هم باید تکرار کرد که از منظر روابط بین‌المللی، دنیای چندقطبی با بلوک‌های مختلف که احتمالاً در حال شکل‌گیری است فعلاً به معنای همسویی چین با روسیه نیست و این نکته‌ای است که در زمینه‌ی روابط روسیه با ایران یا کره‌ی شمالی نیز مشاهده می‌شود. تقویت تنش با همسایگان اسرائیلی و کره‌ی جنوبی به همپوشانی خاصی از جبهه‌های مختلف درگیری شهادت می‌دهند، جایی که قطبی شدن اتحادها و ادراک فرصت‌ها برای قبض قدرت به افزایش تنش‌ها دامن می‌زنند. بنابراین، اسرائیل با تکرار ادعای تهدید هسته‌ای از جانب ایران می‌تواند به ناتو برای مخالفت با ادعای تحویل هواپیماهای بدون سرنشین از تهران به روسیه استفاده کرده و این اهرم فشار را برای بسیج یک ائتلاف علیه ایران به کار بگیرد (RFI, February 2, 2023).

۳-۵. سناریوی سوم: توسعه‌طلبی روسیه

سناریوی سوم دال بر عقب‌نشینی تدریجی قدرت‌های غربی در جنگ روسیه و اوکراین به دلیل افزایش مشکلات داخلی، اعم از اقتصادی و اجتماعی و با تغییر در افکار عمومی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها علیه ادامه‌ی درگیری به علت ترس از تشدید تنش، می‌باشد. کمک‌رسانی نیروهای ناتو در اوکراین در حال تمام شدن است و توازن قدرت نظامی در نهایت به نفع روسیه تغییر پیدا می‌کند. در نتیجه روسیه اشغال سرزمین‌های شرقی و جنوب اوکراین را بدون کنترل کامل آنها توسعه داده و دسترسی به دریای سیاه را مسدود می‌کند. در چنین موقعیتی روس‌ها قادر خواهند بود برنامه‌های تهاجمی خود را علیه لهستان، کشورهای بالتیک و مولداوی نیز به کار بگیرند. این وضعیت منجر به تشدید تنش در اتحادیه‌ی اروپا می‌شود و نتیجتاً می‌تواند درگیری‌هایی را بین کشورهای عضو به وجود آورد.

در سطح نظامی، منطق تشدید تنش نامبرده که از ماه سپتامبر قابل مشاهده است، در چارچوب این سناریو (سناریوی سوم) قرار می‌گیرد. روسیه از ژوئیه ۲۰۲۲ به طور گسترده‌ای جمعیت خود را بسیج کرده است و نیروهای نظامی و شبه‌نظامیان خود را از سوریه و آفریقا برگردانده است. اگر مقاومت اوکراین بیشتر از حد انتظار باشد، باز هم امکان تضعیف آن وجود دارد. در عین حال، اگرچه حملات سایبری در حال حاضر با محدودیت مواجه شده است، اما روسیه می‌تواند در ماه‌های آینده با پشتیبانی از منابع انسانی خارجی (کره شمالی، چین و غیره)، این حملات را مجدداً تشدید کند. علاوه بر این، تهدید هسته‌ای در قلب لفاظی پوتین برای تأثیرگذاری بر نتیجه‌ی جنگ همچنان بر قوت خود باقی می‌ماند. بنابراین اگر تا سال ۲۰۲۵ با موفقیت استراتژیک بسیج نظامی در روسیه با غلبه بر مشکلات آموزشی، هماهنگی و تدارکات مواجه باشیم، پس این سناریو (سناریوی سوم) قابل پیش‌بینی خواهد بود. ضمناً امکان موج جدیدی از بسیج نظامی توسط روسیه نیز می‌تواند به این تحقق سناریو کمک کند. ترس از تشدید تنش‌ها و درگیری‌های اجتماعی-اقتصادی عوامل مهمی در احتمال خروج تدریجی نیروهای غربی هستند. همچنین روس‌ها می‌توانند جنگ را به کشورهای مرزی بکشانند (Le Bec and Segur, 2023: 29).

در چشم‌انداز سال ۲۰۲۵، حفظ محتمل قیمت‌های بالا در بازار انرژی و خطرات مداوم ناشی از کمبود برق یا گاز برای زمستان ۲۰۲۳-۲۰۲۴ می‌تواند حمایت از جنگ را زیر سؤال ببرد، به ویژه اگر کمک‌های مالی ارائه شده به اوکراین با نیازهای مردم اروپا و آمریکا توازن برقرار نماید. تاثیر قیمت نفت توسط کشورهای گروه ۷ و تحریم‌های نفتی اجرا شده توسط اتحادیه‌ی اروپا عوامل مهمی هستند که احتمالاً دنبال خواهند شد. از طرف دیگر، روسیه قادر است سایر خطوط لوله‌ی اروپا به آفریقا یا نروژ را نابود کند، حتی اگر این اقدام باعث تشدید درگیری‌ها شده و به نزاع بین کشورهای عضو در مورد مسائل مرتبط با همبستگی اقتصادی و انرژی دامن بزند. این امر قبلاً خودش را از خلال مباحث مرتبط با اصلاح بازار برق یا مکانیسم کمک‌های دولتی در اتحادیه‌ی اروپا نشان داده است. در شرایط ناپایدار، خطر تجزیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا هم وجود دارد (Astrov et al, 2022: 9-26).

بنابراین سناریوی سوم یا همان تشدید جنگ که با پیشروی روسیه، مقاومت اوکراین و عقب‌نشینی غرب همراه است که البته، همانطور که اشاره شد، می‌تواند خطر درگیری روسیه با اروپای شرقی و تکرار تجربه‌ی اوکراین در این

منطقه از جهان را به دنبال داشته باشد. ایران نیز از یک طرف، در صورت تداوم همکاری با روسیه به خصوص در حوزه‌ی نظامی، به طور غیر مستقیم در تشدید جنگ نقش خواهد داشت و از طرف دیگر، مانند سایر کشورها، از آسیب‌های اقتصادی و مالی بحران ناشی از تشدید جنگ مصون نخواهد ماند. البته پرتنگ‌تر شدن حضور ایران در جنگ، بستگی به نوع و چگونگی تصمیم‌گیری رهبران و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی خواهد داشت. به عبارت دیگر، آیا سیاست بی‌طرفی و مداخله را پیش خواهند گرفت یا سطح دخالت را بیشتر خواهند کرد.

۴-۵. سناریوی چهارم: تحقق اهداف جغرافیایی و ژئواستراتژیک روسیه

بر طبق سناریوی چهارم، روسیه می‌تواند تا سال ۲۰۲۵ اوکراین را شکست دهد و کشورهای غربی که بیشتر درگیر مشکلات داخلی خودشان هستند، نمی‌توانند تقابل با روسیه را تشدید کنند. از این نقطه‌نظر، سناریوی چهارم را می‌توان در چارچوب سناریوی سوم بازتعریف کرد. در این سناریو، اوکراین تا حدودی با رهبران طرفدار مسکو که در شهرها مستقر شده‌اند به چانه‌زنی مشغول خواهد شد. روسیه، از طریق دسترسی به دریای سیاه، موقعیت استراتژیک خود را در فضای اروپایی تقویت کرده و احتمالاً قادر خواهد بود خواسته‌های جدید سرزمینی را بیان کند. در این سناریو، پیروزی روسیه نه توسط اوکراین به رسمیت شناخته خواهد شد و نه توسط جامعه‌ی بین‌المللی و ناتو که این پیروزی را به معنای نشان دادن چراغ سبز به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای در نظر می‌گیرند.

در این میان، منافع ایران با توجه به همکاری فزاینده با روسیه و موقعیت وی در نظم جدید را نباید فراموش کرد. برای مثال، پیروزی نظامی روسیه در جنگ روسیه و اوکراین، به تقویت انگیزه‌های این کشور در حضور در دریاهای و آب‌های گرم منجر شده و در نتیجه نیروی دریایی ایران می‌تواند اتکای بیشتری به متحد قاره‌ای خود در دریای خزر، خلیج فارس و اقیانوس هند داشته باشد (فلاح و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵).

علاوه بر این، در صورت استفاده‌ی روسیه از تسلیحات هسته‌ای، مسئله‌ی تمایل احتمالی سایر کشورها (و از جمله ایران) به در اختیار داشتن این تسلیحات نیز مطرح می‌شود که واجد پیامدهای امنیتی خاص خود است. به عبارت دیگر، «استفاده از تسلیحات هسته‌ای توسط روسیه به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای چراغ سبز برای به کارگیری آنها را نشان خواهد داد و از طرف دیگر، سایر کشورهایی که فاقد نیروی نظامی هسته‌ای هستند به فکر داشتن آن خواهند افتاد» (کیانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۹-۶۸) که این امر می‌تواند در مورد ایران هم صادق باشد. بعلاوه، تمایل ایران و سایر کشورها به داشتن تسلیحات هسته‌ای، تبعات امنیتی خواهد داشت؛ زیرا ما احتمالاً با شکل‌گیری بلوک‌های جدیدی روبرو خواهیم شد و این مسئله می‌تواند بی‌طرفی یا مداخله در جنگ را افزایش دهد.

۴-۵. سناریوی پنجم: حفظ تمامیت ارضی اوکراین

سناریوی پنجم برای اوکراین نتیجه‌ی نسبتاً مطلوبی را در افق سال ۲۰۲۵ ترسیم می‌کند، حتی اگر این کشور علی‌رغم حفظ تمامیت ارضی خود مجبور شود امتیازاتی بدهد. بر طبق این سناریو، روسیه که از نظر نظامی و اقتصادی

ضعیف و در صحنه‌ی بین‌الملل منزوی شده است، با مخالفت افکار عمومی خود مواجه خواهد شد و حضور خود را در جنگ کاهش خواهد داد. روسیه نهایتاً به جنگ پایان داده و به طور کامل عقب‌نشینی خواهد کرد؛ البته مشروط به این که قدرت اوکراین مهار شده و جمهوری‌های خودخوانده‌ی لوهانسک و دونتسک به قوت خود باقی بمانند. روسیه احتمالاً از تبلیغات داخلی استفاده کرده تا این نتایج را به مثابه نوعی پیروزی در میان ملت خود اعلام نماید. برکناری یا مرگ پوتین می‌تواند این سناریو را تسریع یا تقویت کند. در واقع بسیج شکننده نیروهای نظامی روسیه ممکن است تبدیل به یک شکست شده و توازن قوا را به نفع اوکراین تغییر دهد. اما این بازگشت به معنای حفظ وضعیت موجود نیست؛ بلکه به عنوان بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی به خصوص در کریمه مطرح است. تحقق این سناریو بستگی به حمایت غرب از اوکراین دارد، مشروط به این که اوکراین از جاه‌طلبی‌های احتمالی خود به منظور اجتناب از تشدید جنگ دست بردارد.

پیروزی اوکراین و تضعیف روسیه، شکل‌دهنده‌ی سناریوی پنجم است. در این صورت، ایران با توجه به همکاری خود با روسیه در زمان جنگ، در صورت تمایل به ترمیم روابط خود با غرب و خروج از انزوای دیپلماتیک و سیاسی و رفع تحریم‌های اقتصادی، با مشکلاتی مواجه خواهد شد؛ زیرا غرب، همکاری ایران با روسیه را در زمان جنگ لحاظ کرده و مخالفان بازگشت ایران به صحنه‌ی بین‌المللی از این موضوع به عنوان حربه‌ای بر علیه ایران استفاده خواهند کرد. در این مورد نباید نقش اسرائیل را فراموش کرد؛ به خصوص از این جنبه که اسرائیل و ایران در جریان جنگ غزه به سمت تقابل نظامی مستقیم پیش رفته‌اند و بنابراین اسرائیل به احتمال زیاد تمام سعی خود را به کار خواهد بست تا از عادی‌سازی روابط ایران با غرب ممانعت به عمل آورد. نباید فراموش نمود که اسرائیل در ابتدا امیدوار بود که جنگ بین روسیه و اوکراین بتواند مذاکرات گروه ۵+۱ و ایران برای احیای برجام را کند یا متوقف کند (خسروانی، ۱۴۰۰)؛ اما تا امروز مذاکرات با وجود تحولات مختلف، متوقف نشده است و همین امر باعث نگرانی اسرائیل است.

تحقق سناریوهای مرگ یا برکناری پوتین نیز اوضاع ایران را پیچیده‌تر خواهد کرد؛ زیرا اگر جانشینان پوتین رویکرد متفاوتی در جنگ اتخاذ نمایند و حتی به سمت چانه‌زنی و برقراری مذاکرات جدید با اوکراین و غرب پیش بروند، این امر می‌تواند برای سیاستمداران ایرانی که همه‌ی توپ‌های خود را در سبد روسیه گذاشته‌اند، مشکل‌آفرین باشد و این امر باز هم می‌تواند ثابت کند که تضمینی برای این وجود ندارد که روسیه همیشه در کنار ایران قرار بگیرد (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۸).

۶-۵. سناریوی ششم: وقوع جنگ جهانی

این سناریو که می‌توان آن را «جنگ جهانی سوم» نیز نامید، بخشی از سناریوهای دوم و سوم محسوب می‌شود. بر طبق این سناریو، جنگ تشدید شده و ناتو در صورت حملات غیر متعارف روسیه یا تجاوز به یک کشور عضو خود، به مداخله‌ی نظامی دست خواهد زد. همچنین بر طبق این سناریو، یک جبهه‌ی بین‌المللی جدید بازگشایی خواهد شد. با توجه به دشواری در تعیین ماهیت جنگ جهانی در عصر تسلیحات هسته‌ای، عده‌ای از اصطلاح جنگ جهانی سوم استفاده نمی‌کنند که دارای معانی زیادی است (Brunk and Hakimi, 2022: 691). با این حال، بروز یک درگیری در سطح جهانی

که ترکیبی بوده یا مناطق جدید برای جنگ را شامل شود، همچنان به قوت خود باقی است. در این صورت، چین می‌تواند جبهه‌ی جدیدی در تایوان به وجود آورد. ضمناً دخالت نظامی مستقیم بلاروس منجر به واکنش احتمالی لهستان خواهد شد. در چشم‌انداز سال ۲۰۲۵، دخالت نظامی مستقیم ناتو هنوز بعید به نظر می‌رسد. این دخالت به ویژه می‌تواند به شکست روسیه منجر شده و در نتیجه باعث استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط این کشور در خاک اوکراین شود.

در این صورت، شکل‌گیری بلوک‌ها و جبهه‌های احتمالی می‌تواند ایران را در تمایلات خود به پیوستن یا عدم پیوستن به این بلوک‌ها و جبهه‌ها و یا اتخاذ سیاست بی‌طرفی و عدم مداخله در جنگ، تحت تاثیر قرار دهد. برای مثال، اعتقاد به چندقطبی بودن احتمالی نظام بین‌المللی در آینده و این که یکی از این قطب‌ها ممکن است روسیه باشد (شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۷۷)، می‌تواند در عمل باعث اتخاذ موضع‌گیری‌های مثبت و همدلانه و همکاری‌محور با تحولاتی از جمله جنگ و درگیری در سطح وسیع باشد که با این چندقطبی شدن همسو هستند.

۶. نتیجه‌گیری

به زبان رئالیسم تهاجمی مرشایمر می‌توان اظهار داشت که نیاز روسیه به تامین امنیت منطقه‌ای خود به عنوان یک هژمون در نظام بین‌المللی آنارشیک، این کشور را به سمت استفاده از نیروی نظامی و توسعه‌طلبی سرزمینی در اوکراین کشانده است و این امر تاثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت برای منطقه و نظام بین‌الملل به دنبال داشته است که از زوایای مختلف قابل بحث است و می‌توان در این راستا از تاثیرات ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نام برد. بر این اساس، ارائه‌ی سناریو در قبال جنگ روسیه و اوکراین در چارچوب مطالعات آینده‌پژوهی، مطرح می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در مقام یک بازیگر فعال و مهم منطقه‌ای که از یک طرف با روسیه روابط نزدیک و پیچیده‌ای دارد و از سوی دیگر با غرب در چالش به سر می‌برد، از تاثیرات و پیامدهای ناشی از تحقق احتمالی این سناریوها مصون نیست. در واقع، مخالفت با غرب و سلطه‌ی آمریکا بر نظام بین‌المللی و نیز اهمال تحریم‌ها و انزوا، باعث شده است تا ایران و روسیه وارد فاز جدیدی از همکاری و ائتلاف گردند.

در پژوهش حاضر، شش سناریوی محتمل درباره‌ی جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن برای ایران مطرح شد:

(۱) آرام شدن جنگ: این سناریو در وهله‌ی نخست بر روابط اقتصادی و تجاری ایران با روسیه و نیز با اوکراین تاثیر خواهد گذاشت و در وهله‌ی دوم، موضوع امکان یا عدم امکان ترمیم روابط ایران با اوکراین (و نیز با غرب) را پیش خواهد کشید.

(۲) تشدید جنگ: در این صورت ممکن است روند کمک‌های نظامی ایران به روسیه تسریع شود که در بلندمدت می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای ایران در رابطه با غرب داشته باشد. ضمناً با تشکیل بلوک‌های جدید در سطح جهانی، ایران به سمت اتخاذ مواضع بی‌طرف یا مواضع مداخله‌جویانه سوق داده می‌شود.

- ۳) برتری استراتژی توسعه‌طلبی توسط روسیه: ممکن است نقش ایران در جنگ با توجه به کمک‌رسانی نظامی بیشتر، افزایش پیدا کند و از طرف دیگر، مانند سایر کشورها، از عواقب جنگ مصون نماند.
- ۴) پیروزی روسیه: با پیروزی روسیه، ایران ممکن است بر روی متحد قاره‌ای خود به ویژه در بخش نظامی، حساب بیشتری باز کند و ائتلاف آنها قوی‌تر شود. ضمناً اگر پیروزی روسیه منوط به استفاده از تسلیحات هسته‌ای باشد، ممکن است ایران هم - مانند بعضی از کشورهای دیگر - به داشتن این تسلیحات متمایل شود.
- ۵) پیروزی اوکراین: در این صورت ایران، به دلیل همکاری‌های نزدیک خود با روسیه، در برقراری مجدد روابط با اوکراین و غرب و برطرف نمودن تحریم‌ها دچار مشکل خواهد شد.
- ۶) وقوع جنگ جهانی: در صورت وقوع جنگ جهانی، شکل‌گیری بلوک‌های جدید می‌تواند ایران را در تمایل خود به پیوستن یا عدم پیوستن به این بلوک‌ها و یا اتخاذ سیاست بی‌طرفی، تحت تاثیر قرار دهد.

منابع

۱. منابع فارسی

- اسماعیل‌پور، علی و محمدرضا عرب بافرانی (۱۴۰۱)، «فرا تحلیل روش سناریونویسی در آینده‌پژوهی»، *آینده‌پژوهی/تغیلات اسلامی*، سال سوم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۹۵-۱۴۰.
- جباری، مسعود (۱۴۰۱)، «بررسی روابط روسیه و آمریکا پس از بحران اوکراین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، سال چهارم، شماره ۴۵، تابستان ۱۴۰۱، صص ۸۷-۱۰۰.
- حلال‌خور، مهرداد و سعیدی راد، آرش (۱۴۰۰)، «ایران - اوکراین در دوران بحران و تاثیر آن بر روابط با روسیه»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره ۵، شماره ۱۰، پاییز و تابستان ۱۴۰۰، صص ۷۵-۹۸.
- خسروانی، فرشید (۱۴۰۰)، «نگرانی‌های اسرائیل از جنگ روسیه و اوکراین»، *دیپلماسی ایرانی*، ۲۸ اسفند ۱۴۰۰.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و سارا فرهمند (۱۴۰۱)، «جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال بیست و هشتم، شماره ۱۱۸، تابستان ۱۴۰۱، صص ۸۷-۱۱۳.
- شکوهی، سعید و قاسمی، حسین (۱۴۰۳)، «تاثیر جنگ ۲۰۲۲م اوکراین بر روابط ایران و روسیه؛ مطالعه‌ی موردی: دیدگاه نخبگان ایرانی»، *مطالعات کشورها*، ۲(۱)، ۶۵-۸۹.
- فلاح، احسان و عامری اسدالله، (۱۳۹۵)، «ریشه‌های بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۵، صص ۸۶-۸۷.

- کیانی، محمد؛ آقارب پرست، محمدرضا؛ اسمعیلی، بشیر (۱۴۰۲)، «سناریوهای محتمل درباره‌ی استفاده‌ی روسیه از تسلیحات هسته‌ای در جنگ اوکراین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۵، صص ۷۰-۵۷.
- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۰)، فرصت‌ها و تهدیدهای بحران اوکراین برای اقتصاد ایران.
- یزدی یحیی‌آبادی، اصغر؛ مجید معصومی و مهدی حسنی باقری (۱۳۹۹)، «مقایسه نظم سیاسی در منطقه غرب آسیا در راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روسیه»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۴، بهمن ۱۳۹۹، صص ۲۸۷۵-۲۸۵۲.

۲. منابع لاتین

- Astrov, Vasily; Grieveson, Richard; Kochnev, Artem; Landesmann, Michael; Pindyuk, Olga (2022), "Possible Russian invasion of Ukraine, scenarios for sanctions, and likely economic impact on Russia, Ukraine and the EU", *Policy Notes and Reports*, No. 55, The Vienna Institute for International Economic Studies.
- Brunk, Ingrid and Monica Hakimi (2022), "Russia, Ukraine, and the Future World Order", *The American Journal of International Law*, Vol. 116:4, pp. 687-697.
- Dator, James (1979), "The Futures of Cultures and Cultures of the Future." In Marsella et al. (eds.), *Perspectives on Cross Cultural Psychology*, New York: Academic Press.
- Inayatullah, Sohail (2013), "Future Studies: Theories and Methods" https://www.researchgate.net/publication/281595208_Futures_Studies_Theories_and_Method
- Le Bec, Antoine and Marie Segur (2023), « Guerre en Ukraine », *Futuribles International*, N. 284, 2 mars 2023.
- Mearsheimer, John (2014), *The Tragedy of Great Power Politics*, Updated Edition, New York: W. W. Norton & Company.
- Mearsheimer, John J. (2009), "Reckless States and Realism", *International Relations*, Vol 23, No 2, 2009, pp. 241-256.
- Niakooee, Amir and Hossein Rahdar (2021), "The Middle Est and Iran in Russia's Foreign Policy after the Ukraine War", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 12, No. 2, Summer and Autumn 2021, pp. 493-524.
- Oualaalou, D., (2020), *The Dynamics of Russia's Geopolitics: Remaking the Global Order*. Cham: Springer International Publishing AG.
- Papa, Mihaela (2023), "How long will the dollar last as the world's default currency? The BRICS nations are gathering in South Africa this August with it on the agenda", *Fortune*, June 24, 2023. Available at: <https://fortune.com/2023/06/25/dollar-reserve-currency-brics-brazil-russia-india-china-south-africa/>
- Schwartz, Peter (1995), "Scenarios: The Future of the Future", *Wired* (October 1995).
- Tampubolon, Manotar (2022), "Russia's Invasion of Ukraine and its Impact on Global Geopolitics", *European Scientific Journal*, ESJ, 18 (20), 48. <https://doi.org/10.19044/esj.2022.v18n20p48>
- Waltz, Kenneth (1979), *Theory of International Politics*, Boston: Addison-Wesley.

۳. نشریات و سایت‌های خبری

انصاف نیوز، ۱۴ آبان ۱۴۰۱.

تابناک، ۱۴ آبان ۱۴۰۲.

سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو (<https://russia.mfa.gov.ir>), ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

RFI, February 2, 2023.